

تحلیل سیاسی هفته (۲۲)  
تأملی بر توافق روسیه و آمریکا در مورد سوریه

نام دفتر: مطالعات سیاسی

شماره مسلسل: ۲۶۰۱۳۲۰۶

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۷/۲

پس از آنکه گزارش کارشناسان سازمان ملل متحد استفاده از سلاح‌های شیمیایی در منازعه سوریه را تأیید کرد و عزم آمریکا برای حمله به این کشور قوت گرفت، پیشنهاد روسیه برای نظارت بین‌المللی بر انبارهای تسلیحات شیمیایی سوریه و در نهایت، امحای آنها امیدها برای جلوگیری از بروز جنگی دیگر در خاورمیانه را زنده کرد؛ این پیشنهاد به شکل‌گیری نوعی توافق میان روسیه و آمریکا انجامید. این توافق بر سر بحران سوریه چند ویژگی خاص داشت:

- هرچند کنشگران منطقه‌ای و بین‌المللی پرشماری در بحران سوریه دخیل و درگیر بودند ولی توافق بر سر این بحران عملاً بین دو بازیگر اصلی رخ داد و سایر بازیگران نیز از آن تمکین کردند. البته در این توافق برد با بازیگرانی بود که در جبهه حمایت از دولت قانونی بشار اسد قرار داشتند.

- دولت سوریه به منظور گرفتن بهانه‌ها از دست جبهه غرب به رهبری آمریکا اعلام کرد که این توافق را اجرا می‌کند.

- این توافق برآمده از نوعی زورآزمایی دیپلماتیک و چانه‌زنی سیاسی بود نه برخاسته از سازوکار حقوقی.

- سازمان‌های منطقه‌ای از قبیل ناتو، اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس هیچ نقشی در پیشبرد این توافق ایفا نکردند.

- علیرغم اینکه این توافق بین دو قدرت بزرگ جهانی صورت گرفت اما ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای با قرارگیری در کنار دولت سوریه نقشی بازدارنده در برابر تصمیمات جنگی آمریکا ایفا کرد و با متصور ساختن واقعیت افزایش هزینه‌های حمله، در انصراف واشنگتن از مبادرت به اقدام نظامی علیه سوریه و در نهایت رسیدن به توافق با روسیه نقش بسزایی ایفا کرد. همچنین رئیس‌جمهور ایران در ترغیب دولت سوریه به پذیرش این توافق و ارائه پیشنهاد دولت روسیه به دمشق بسیار تأثیرگذار بود.

بجز آمریکا که به واسطه آسیب‌های حیثیتی و تسلیم شدن در برابر ابتکار روسیه از بازندگان توافق اخیر به حساب می‌آید، سایر بازندگان این توافق را می‌توان به شرح ذیل فهرست کرد:

۱. ترکیه: دولت اردوغان با توجه به نابسامانی‌های داخلی به شدت نیازمند یک جنگ خارجی بود تا بتواند ملت خود را در برابر تهدیدی هرچند تصنعی بسیج کند. کاهش شدید احتمال بروز جنگ این دولت را با نوعی سردرگمی مواجه ساخت و عملاً سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه را به شکست کشانید.

۲. ارتجاع عرب: ارتجاع عرب هویتی سازشکارانه در قبال نظام سلطه دارد و با تهدیدگری‌های اسرائیل نیز مماشات می‌کند؛ از این رو، نظام سیاسی حاکم بر سوریه را که در جبهه مقاومت قرار دارد برنمی‌تابد. این توافق ارتجاع عرب را عملاً منفعل ساخت چراکه بسیاری از کشورهای عربی که در این مقوله می‌گنجد وعده کمک‌های لجستیکی و مالی به آمریکا در صورت حمله داشتند.

۳. رژیم صهیونیستی: هرچند طرح خارج کردن سلاح‌های شیمیایی از سوریه می‌تواند ضریب امنیتی این رژیم را بالا ببرد ولی در هر حال تداوم حیات نظام سیاسی سوریه نوعی شکست برای این رژیم به شمار می‌آید.

۴. سازمان‌های منطقه‌ای: سازمان‌های منطقه‌ای از قبیل اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس نه تنها نقش فعالی برای کاهش بحران نداشتند، بلکه عملاً بر طبل جنگ می‌کوبیدند. توافق اخیر، اهداف این سازمان‌ها را نیز ناکام گذاشت.

۵. جنگ‌طلبان اروپایی: کشورهای بریتانیا و فرانسه که تلاش گسترده‌ای را برای مشروعیت بخشیدن به مداخله نظامی در سوریه در شورای امنیت به عمل آوردند، عملاً توجه‌های خود را بی‌موضوعیت یافتند و با سردرگمی مواجه شدند.

۶. سازمان ملل متحد: انفعال سازمان ملل متحد و به‌طور خاص ناتوانی شورای امنیت در حل سازنده بحران سوریه و متعاقب آن، شکل‌گیری توافق میان روسیه و آمریکا بر سر این بحران در عمل چانه‌زنی قدرت‌محور را جایگزین سازوکارهای حقوقی بین‌المللی نمود و بار دیگر ضعف‌ها و نارسایی‌های این سازمان جهانشمول در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را آشکار ساخت.

۷. مخالفان مسلح و جبهه تکفیری: این دو جریان معارض دولت سوریه که علیه نظام سیاسی این کشور دست به سلاح برده‌اند و با اقدامات تروریستی علیه شهروندان سوری ویرانی‌های زیادی را در این کشور به بار آورده‌اند به دنبال تحمل شکست‌های اخیر در جبهه میدانی تلاش می‌کردند با استقبال از حمله نظامی موقعیت تضعیف شده خود را بهبود بخشند. منتفی شدن جنگ، هرچند به‌طور موقت، موضع آنها را بیش از پیش تضعیف کرد.

ازسوی دیگر، مهمترین برندگان این توافق را نیز می‌توان به‌شرح ذیل فهرست کرد:

- روسیه: روسیه با نمایش خود به‌عنوان قدرتی همپایه آمریکا عملاً خود را از سایر قدرت‌های بزرگ جدا کرد و با به‌دست گرفتن ابتکار عمل، تمایل خود برای کمک به حل بحران سوریه به‌طور خاص و عزم راسخ برای کمک به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به‌طور عام نشان داد. بدین‌سان روسیه وجهه بین‌المللی خود را ارتقا داد و در عین حال قدرتش را نیز به رخ جهانیان کشید.

- جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت: جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مهمترین مدافع سوریه هرگونه تضعیف دولت بشار اسد و ازجمله حمله نظامی به این کشور را مغایر مصالح جبهه مقاومت می‌داند. ازاین‌رو منتفی شدن اقدام نظامی علیه دولت سوریه دستاورد و موفقیت بزرگی برای این کشور و اضلاع جبهه مقاومت ازجمله حزب‌ها... لبنان به حساب می‌آید.

- سوریه: دولت سوریه که با مقاومت و ایستادگی، نقش اول را در ناکام ماندن طرح‌ها و توطئه‌های شورشیان و حامیان بین‌المللی آنها داشته است، این بار هم توانست با حفظ موضع اقتدار و نمایش توان بازدارنده خود مانع از حمله نظامی آمریکا شود.

در مجموع، توافق روسیه و آمریکا مهر تأییدی بر ناکامی شورای امنیت سازمان ملل متحد در ایفای وظیفه اصلی خود یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بود، وظیفه‌ای که آشکارا در ماده (۲۴) منشور ملل متحد مورد تأکید قرار گرفته است. ازسوی دیگر، این توافق نشان داد که جهان امروز نظمی را در خود دارد که نه‌تنها تک‌قطبی نیست، بلکه حاوی قطب‌های چندگانه‌ای است که می‌توانند قطبی را که داعیه سیطره‌جویی دارد مهار کنند. ازسوی دیگر توافق اخیر که منجر به کوتاه آمدن و عقب‌نشینی آمریکا از اقدام نظامی علیه سوریه شد بیش از هر چیز قدرت و انسجام جبهه مقاومت را در منطقه و جهان به تصویر کشید. از این منظر، این توافق می‌تواند دستاورد دیگری برای جبهه مقاومت باشد.